

آشیل که در روز های اخیر جنگ بسپاه یونان ملحق شده بود در آن اسب پنهان گردیدند . آنگاه یونان میان خیمه های خود را آتش زده و بکشتی نشسته در جزیره تزدبکی مخفی شدند . تروائی ها تصور نمودند که یونانیان خسته شده و بمملکت خود مراجعت نموده اند . پس از حصار بیرون آمده و اسب را بدرون شهر بردند . چون شب شد دلاورائی که درون اسب پنهان شده بودند بیرون آمده دروازه های شهر را کشودند و در این اثنا سپاهیان یونان نیز که در جزیره مخفی شده بودند رسیده وارد شهر گردیدند و بین حیمه الیون را تصرف کردند . اهالی را کشتند و زنها را اسیر نموده و شهر را آتش زدند

این بود عاقبت جنگ یونان و تروا اکنون سرانجام پاشخاس داستان را ذکر مینمائیم:- آشیل بواسطه بی احترامی و بی پروائی سختی که نسبت به خدایان در روز های آخر جنگ کرده بود ایلون خداوند نور تیری پاریس پسر ریام داد که آشیل را هدف آن سازه . آشیل چون روئین تن بود و در اعضاء بدنش جز پاشنه پا اسلحه تاثیر نمی کرد پاریس به راهنمایی ایون تیر زهر آلود را پاشنه پای او زد و دلاور بی پروای یونانی قبل از فتح الیون کشته شد . اولیس و آژاکس بزورک ترس از اسلحه او باهم نزاع نمودند مادر آشیل اسلحه برش را

اولیس داد و آژاکس از شدت بغض خود را کشت
 سایر سران اردوی یونان بعد از فتح ایون بمملکت
 خود رهسپار گردیدند ولی خدایان برای انتقام تروا هر
 کدام از آنها را به مصیبتی مبتلا ساختند

زوجه آکاممن در اثناء جنگ که شوهرش نزد
 او نبود بدبگری دن بست و بعد آکاممن را برادرزاده
 خودش مقبول نمود

میتلاس مازنی هلق بعد از مدت هشت سال که باد
 کشتی او را بمصر برد بوطن خود مراجعت کرده و نی طولی
 نکشید که مرد

دیومد بهمان بلیه ای که آکاممن از طرف زنی
 مبتلا شد گرفتار گردید و رفیق زنی میوه است او را
 بکشد که با چند نفر از یاران خود بابطالیا فرار کرد
 و در آنجا اقامت گزیده چندین شهر بنا نمود

آژاکس کوچک گرفتار طوفان دریا شد و کشتی
 او شرق گردید پس به نخته سنگی پناه برد ولی سنگ
 شکست و آژاکس غرق شد

اولیس هم دستخوش امواج شد و کشتی او مدت
 ده سال روی دیوار سرگردان حرکت میکرد هر سرگذشت مدت
 سرگردانی اولیس را موضوع داستان دیگری قرار داده
 و اثر «ادیسه» نام داده است زیرا اولیس در زبان یونانی ادیس
 خوانده میشود اولیس زنی ماجنا و یا کداین داشت در

مدتی که شوهرش بیچنگ رفته بود و جد از آن هم که از چنگ بر میگشت ده سال دیگه روی دریا گم شده و بوطنش مراجعت نکرده بود بزرگان قوم باو طمع نموده و میخواستند دامان طهارت و پراشکه دار کنند . زن با هوای نفس مقاومت کرد و خویشتن را حفظ نمود تا شوهرش برگشت و اثر آنها نزد شوهرش شکایت کرد . اولیس تمام آنها را کشت و خودش پس از مدتی در یکی از چنگها با به دست پسرش کشته شد در حالی که پسر پدر را نشناخته بود

اما پریام پادشاه تروا را (ثو پتولم) پسر امیل بعد از تصرف ایون در عهد تروا سر برید
پریس پسر پریام قبل از تصرف ایون کشته شد .

اکوب زن پریام اسیر شد و جزء غنائم اولیس گردید .

کاساندا و دختر پریام اسیر شد و جزء غنائم اکامنین گردید .

اندرومالک زن هکترا (ثو پتولم) تصرف کرد و چون بوطن خود برگشت او را تزویج نمود . پس نا چندی طلاقش داد و یکی از پسران پریام او را تزویج خود در آورد

استیاناس پسر هکترا در موقع تصرف ایون

ثویتولم او را از بالا بزیر انداخت و مرد
 هان که با منلاس شوهرش بانسیارت برگشت چون
 شوهرش در گذشت از اسپارت مهاجرت کرد به جزیره
 (رودهس) رفت .
 در آن جزیره بیه یکی از یونانی که در محاصره
 الیون کشته شده بود او را خفه کرد
 فقط فستری مملکت خود سالما مراجعت نموده بقیه
 عمر را با سودگی گذرانید و (انه) که از حیث سرانجام
 خوشبخت ترین یونانان جنگ شد و توانست از یونان فرار
 کند و مرم رود و دولت بزرگی تاسیس نماید . رومی
 های قدیم او را جد خود دانستند و (ویرزیل) شاعر
 بزرگ و معروف آنها سرگذشت (انه) را موضوع منظومه
 خود که موسوم به (اینئد) میباشد قرار داده است

قسمت سوم

مقدمه

تمدن عصر هومر

از منظرات هر اوایی که در تمام جهان از جگ فکر صنعت تا برداشته اند کشف میشود شیلر (۱)

از اشعار سخن سنج بزرگ یونان و حوادثی که در طی داستان ایلیاد ذکر گردید میتوان عادات و اخلاق و عقاید عهدیکه جنگ یونان و تروا در آن وقوع یافته است استنباط نمود بهیچزه آخری میتوان چگونگی تمدن ستالیدی یونان و قوم اقراض یافته تروا را بدست آورد. مثلا وقتییکه مادر قسمت دوم این کتاب میخوانیم که آشیل نعش پاترکل دوست عزیز خود را سوزانید و پاترکل پس از کشته شدنش در خواب بر آشیل ظاهر شد و خواهش کرد در دفن او تعجیل نماید زیرا تا زمانیکه جسد مرده دفن نشده است روح او سرگردان میباشد. استنباط مینمائیم که اولاً سوزانیدن اموات در یک هزار و صد و هشتاد و چهار سال قبل از میلاد مسیح

(۱) Schiller شاعر بزرگ آلمان در ۱۷۵۹ متولد

و در ۱۸۰۴ وفات کرده است